الباب السادس و العشر من الواحد الثالث لا یجوز العمل الا بآثار النقطة.

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب السادس و العشر من الواحد الثالث** لا یجوز العمل الا بآثار النقطة.

ملخص این باب آنکه جایز نیست عمل الا بآثار نقطۀ بیان زیرا که در این ظهور از برای حروف حی آثار ایشان از شمس حقیقت ظاهر میگردد زیرا که آیات مخصوص نقطه است و مناجات مخصوص رسول الله و تفاسیر مخصوص ائمۀ هدی و صور علمیه مخصوص بابواب ولی کل از این بحر مشرق میگردد تا اینکه کل این آثار را در حقیقت اولیه بنحو اشرف مشاهده کنند و هیچ عزی از برای ایشان غیر از سبق ایمان که اعز از کلشیئ هست عند الله و عند اولی العلم نبوده و نیست و کل فضل در ظل همین مستظل است

و از حین غروب الی طلوع ”من یظهره الله“ آثار فرضیه مرتفع و حروف حی و کل من آمن بالله و بالبیان در ظل آنها مستظل الا آنکه کسی طیران نماید در عرفان حکمی از احکام الله چه اصولا و چه فروعا و اثری از خود ظاهر نماید اگر از حدود بیان تجاوز ننمایند در ظل او محشور و الا لایق ذکر نمیگردد عند الله وعند اولی العلم

بلکه در این کور اکثر ناظر بجواهر مسائل و تخفف در اقوال و دلائل و تلذذ بآنچه نازل شده از نقطۀ شمس حقیقت زیرا که آثار او معاینه مثل ضیاء شمس است بالنسبة بانوار کواکب هل یقدر أن یقترن احد بینهما سبحان الله عن ذلک تسبیحا عظیما و تعالی الله عن ذلک علوا کبیرا

ولی سعی نمایند در علم حروف واقترانات اعداد اسماء الله و اقترانات کلمات مشابهه و اقترانات آثار مشابهه در محل خود که اذن داده شده که نظم بیان را هر کس بهر نحوی که شیرین تر میتواند دهد دهد اگر چه بر هزار نوع ظاهر شود ولی کل راجع بنفس بیان میگردد زیرا که بر او حرفی زاید نمیگردد و از او حرفی ناقص نمیگردد الا آنکه نظم حفظ و اقتران بعضی با بعضی بمناسبات این نسخه با آن نسخه تفاوت بهم میرساند

گویا مشاهده میشود که هیچ نظمی در او داده نمیشود از بعد الا آنکه احلی و انظم از نظم اول میگردد ”طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء الله و یشکر ربه فانه یظهر و لا مرد له من عند الله فی البیان الی ان یرفع الله ما یشاء و ینزل ما یرید انه قوی قدیر“

و بهترین نظمها نظمی است که بر حدود ظاهریه شود مثلا اگر ده دعای صد بیتی هست پهلوی هم ذکر شود و همچنین خلط انهار خمسه نگردد آیات در علو خود و مناجات در سمو خود و تفاسیر در مقعد عز خود و کلمات در افق قدس خود و کلمات فارسیه در امتناع ارتفاع خود چنانچه بر ناظر لطیف لوازم اقترانات مخفی نبوده و نیست ذلک من فضل الله علی علماء البیان حیث یشتغلون بامر الی ان یفرج الله عنهم بظهور ما هم به باللیل و النهار الی الله ربهم یتوجهون

و اگر ظاهر شود و نشناساند کسی را نفس خود بیانی که او مرتب فرماید مثل شمس است در بین کواکب و این وقتی است که کل را در حجاب بیند چنانچه نقطۀ بیان سه تفسیر بر قرآن نوشت دو تفسیر بنهج آیات الی آخر و یک تفسیر بر سورۀ بقره بنهج شئون علمیه که یک حرف از تفاسیر او معادل نمیشود بآنچه کل مفسرین از اول نزول قرآن تا ارتفاع او تفسیر نموده و من یقترن ضیاء الشمس بنور الکواکب فما له من عین یلیق ان یذکر عند الله افلا تنظرون.

